

دانش و کنش زنان در مکان‌سازی: مرور دو تجربه

الهه پژوتن*

مقدمه

مکان مقوله‌ای چندوجهی است که کیفیت آن مؤثر بر و متأثر از کیفیت زندگی مردم است. پرداختن به این پدیده‌ی ناتمام و در حال تحول با نگاهی ویژه به کنشگران دخیل در فرایند مکان‌سازی می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای درک بهتر ابعاد آن به دست دهد. زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های دخیل در فرایند مکان‌سازی همواره توانسته‌اند در مراحل مختلف این فرایند نقش‌آفرینی کنند و در زندگی یا مرگ مکان‌ها اثرگذاری چشمگیری داشته باشند. توجه به این جایگاه کلیدی، شناسایی مؤلفه‌های دانش این گروه و بهره‌گیری از آنها در محله‌های ناکارآمد شهرها به‌ویژه سکونتگاه‌های خودانگیخته^۱ و خودساخته^۲ که منابع محدودی (سرمایه اقتصادی، قدرت سیاسی، دانش و فناوری‌های روز و مواردی از این دست) در اختیار ساکنان آنها قرار دارد، بسیار حیاتی‌تر از سایر نقاط شهر است. بنابراین در این پژوهش سعی شده است با مرور اجمالی ادبیات نظری، ضمن تبیین جایگاه زنان در فرایند مکان‌سازی

در سکونتگاه‌های خودساخته، با بررسی دو فضای عمومی در این سکونتگاه‌ها نقش و ابعاد اثرگذاری زنان در ارتقای کیفیت زندگی در این مکان‌ها مورد مذاقه قرار گیرد. رویکرد این پژوهش در بررسی نمونه‌های موردی کیفی بوده و حسب مورد در مصاحبه و مشاهده از روش‌های متناسب استفاده شده است.^۳

۱- مکان‌سازی و زندگی روزمره

مکان‌سازی^۴ یک فرایند مستمر و دائماً در حال تحول است که مکان به‌عنوان فراورده‌اش را به «محصولی تمام‌نشده» (Arovat, 2002) می‌داند. یکی از دلایل تحول مداوم مکان اثرپذیری آن از کنش‌های روزمره مردمی است که زندگی روزانه خود را در ارتباط با آن می‌گذرانند. هر نوع مواجهه‌ای با چالش‌های روزمره به تعریفی متمایز از مکان برای افراد و گروه‌های مختلف منتهی می‌شود، تصاویر متفاوتی را از مکان‌ها به ذهن متبادر می‌کند، به رفتارهای متنوعی شکل می‌دهد و در نهایت حیات و ممات مکان‌ها را رقم می‌زند. در دوره‌های مختلف، رویکردهای متنوعی در تعریف

* دانشجوی دکتری طراحی شهری

Elahe.pazhoutan@gmail.com

1- spontaneous settlement

2- self-made settlement

۳- نتایج این پژوهش در بخش نمونه‌ی موردی برگرفته از ارزیابی‌های میدانی صورت‌گرفته در دو دوره برنامه‌ی جستار کیفیت در تجربه‌ی بازآفرینی شهری است که شرکت عمران و بهسازی شهری ایران از سال ۹۳ تا سال ۹۶ آن را انجام داده است. برای آشنایی بیشتر با فرایند این برنامه به ویژه‌نامه‌های نشریه‌ی هفت‌شهر با موضوع دو دوره‌ی این رویداد مراجعه شود.

4- placemaking

مکان‌سازی وجود داشته است که هر کدام به بخشی از این پدیدهٔ چندوجهی اشاره کرده‌اند. عارفی (۱۳۹۶) در یک طبقه‌بندی بیان می‌کند: «برخی آفرینش مکان را به چشم راهبرد کالبدی صرف می‌بینند. عده‌ای دیگر آن را به‌مثابهٔ تلاشی برای بهبود تصویر ذهنی محلی از مکان می‌انگارند و آن را به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصاد محلی به حساب می‌آورند. برخی هم مکان‌سازی را به‌منزلهٔ یک برنامهٔ اجتماعی قلمداد می‌کنند که می‌تواند مردم را در حمایت از اهدافی مشخص بسیج کند. عده‌ای نیز مکان را نه فقط به چشم یک واقعیت کالبدی و اجتماعی محض، بلکه به چشم مجرای برای دستیابی به اهداف سیاسی می‌بینند.» (عارفی، ۱۳۹۶: ۳۵). در کنار این رویکردها باید توجه داشت که خلق مکان یک اتفاق نیست که رخ دهد، بلکه حرکتی بطئی است که می‌تواند به مرور زمان و متأثر از زندگی روزمره دگرذیسی پیدا کند و به چیز دیگری تبدیل شود. گروه‌های سنی، جنسیتی، فرهنگی و... هر کدام در مرحله‌ای از فرایند مکان‌سازی و در مقیاس‌های متفاوت نقش‌آفرینی می‌کنند که در صورت شناخت مناسب قابلیت‌های هر کدام می‌توان جایگاهی درخور برای آنها ترسیم کرد. مکان‌سازی ابعاد اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مدیریتی را به صورت توأمان مورد توجه قرار می‌دهد و برای خلق مکانی پایدار به دنبال شناسایی نحوهٔ ارتباط مردم با مکان‌ها و بهینه کردن این ارتباط مبتنی بر ظرفیت‌های هر دو طرف است که قائم به مکان و زمان اسلوب متفاوتی می‌باید. «بارها پیش آمده است که مکان‌ها توجه ما را به خود جلب کرده‌اند، اما این جلب توجه [در ذات خویش] به‌خاطر جذابیت و زیبایی کالبدی، بصری یا طبیعی و یا حتی هر گونه اتفاقات و فعالیت‌هایی که در آنها رخ می‌دهد، نیست؛ بلکه شاید به‌دلیل شبکهٔ درهم‌پیچیده‌ای از روابط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد که بر آنها حاکم است.» (همان: ۴۳). بنابراین برای کشف ریشه‌های یک مکان باید به ابعاد مختلف مکان‌سازی در سطوح متفاوت ارتباط با مکان توجه کرد تا از این مسیر نقش و جایگاه هر کدام از کنشگران به‌درستی تبیین شود.

زنان یکی از گروه‌های اثرگذار بر جریان زندگی روزمره در مکان‌ها هستند که به‌سبب کمتر دیده شدن جهان‌بینی و الگوهای ذهنی‌شان در شکل‌دهی به ساختار قدرت و نظام برنامه‌ریزی، نسبت به الگوواره‌های مردانه (Smith, 1987)، تجربیات روزمره‌شان نیز در فرایند مکان‌سازی با برخوردی سطحی روبه‌رو شده است (Platt, 2017). این کم‌اهمیت انگاشتن نقش زنان در حالی است که آنها به‌سبب خلاقیتشان در مواجهه با چالش‌های روزمره و مداخله‌های کوچک ولی اثربخش خود در فرایند مکان‌سازی به‌شدت در مرگ و زندگی مکان‌ها مؤثرند. اغلب پژوهش‌ها و برنامه‌ها یا بر نقش‌هایی که زنان به‌واسطهٔ جنسیت خود در طول تاریخ پذیرفته‌اند، متمرکز شده‌اند یا شیوهٔ مقاومتی آنها را برای غلبه بر محدودیت‌ها و موانع روزمره پیش‌پافتاده انگاشته‌اند. با این حال باید تأکید کرد که زنان، خودآگاه یا ناخودآگاه، مکان‌های خودشان را می‌سازند. «کار پنهان» آنها در مکان‌سازی (Dyck, 2005) به‌دلیل آنکه در مقیاس بدن و کنش‌های خردمقیاس روزمره تجلی می‌یابد کمتر به چشم می‌آید، ولی اهمیت نقش زنان زمانی آشکار می‌شود که محدودیتی در منابع وجود داشته باشد. آن زمان است که کنشگری از یک فعالیت اختیاری به فعالیتی اجباری بدل می‌شود و به طرز شگفت‌آوری «محدودیت» را به «موقیبت» تبدیل می‌کنند (Radjou, 2014). زنان به‌دلیل تمرکز بر فعالیت‌هایی که برای گذران زندگی روزمره لازم است به نوآوری‌های خردمقیاس، کم‌هزینه، زودبازده، اثرگذار و مبتنی بر همکاری و نفع جمعی بیشتر روی می‌آورند. آنان پیشگام تکیه بر «نوآوری صرفه‌جویانه»^۱ (همان) در شرایط دشوار هستند. این ویژگی‌ها مؤلفه‌هایی را در رویکردهای نوین مکان‌سازی همچون LQC^۲، الگوواره DIY^۳ در شهرسازی تاکتیکی^۴ و مدل متأخر آن DIWO^۵ و شهرسازی دست‌ساز^۶ به ذهن می‌آورند که نمایانگر دانش ذاتی زنان در مقابله با محدودیت منابع است. این گروه از جامعه در مواجهه با مشکلات روزمره

1- frugal innovation

2- Lighter, Quicker, Cheaper

3- Do It Yourself

4- tactical urbanism

5- Do It With Others

6- handmade urbanism

روش‌هایی خاص را در پیش می‌گیرند. این روش‌ها موجب می‌شود فضای زیسته‌شان ویژگی‌هایی داشته باشد که با نیازها و ترجیحات زنانه‌شان متناسب است و شناخت آنها برای حفظ و بهبود کیفیت مکان‌ها ضرورت دارد. مک دوئل (۲۰۰۵) در پژوهشی در این زمینه بر نقش کلیدی «نگاشت شاخصه‌های هویتی مبتنی بر جنسیت در مکان‌ها، بر حفظ و تثبیت موقعیت زنان و ضرورت انعکاس این شاخصه‌ها در ابعاد مادی و نمادین زندگی آنها» (Beebe et al, 2012:524 به نقل از McDowell, 2005) تأکید می‌کند.

همان‌طور که گفته شد فعالیت‌های زنان هنگامی که محدودیت منابع وجود داشته باشد، اهمیت مضاعف می‌یابد. پس می‌توان گفت که نقش زنان در حیات سکونتگاه‌های خودانگیخته و خودساخته انکارناپذیر است. این محدوده‌های کم‌برخوردار، که یا از ابتدا مبتنی بر مردم شکل گرفته‌اند یا حیات دوباره خود را مدیون مقاومت روزمره مردم هستند، در برطرف کردن نیازهای معیشتی، اجتماعی، فراغتی، زیرساختی و... خود با مشکلات متعددی مواجهند که رفع بخش قابل توجهی از آنها بر عهده زنان این سکونتگاه‌هاست. بررسی تجربه‌های متعدد زنان در این محدوده‌ها نشان می‌دهد که آنها نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی دارند. حضور و ماندگاری آنها با کشاندن فعالیت‌ها از عرصه خصوصی به عرصه نیمه‌خصوصی - نیمه‌عمومی بر حیات عرصه عمومی اثر می‌گذارد. زنان با بهره‌گیری از فضای خانه به‌عنوان محل کار و تولید به معیشت خانواده و گذران زندگی روزمره کمک می‌کنند و نقش پشتیبان فعالیت‌های اقتصادی را بر عهده می‌گیرند. آنها با نظارت مستمر بر فعالیت‌ها در عرصه عمومی امنیت را ارتقا می‌دهند و با مداخلات کالبدی کوچک ایمنی تردد کودکان را فراهم می‌کنند. علاقه ذاتی زنان به زیبایی آنها را به سمت زیباسازی محیط پیرامونی‌شان با بهره‌گیری از دانش بومی و مصالح در دسترس سوق می‌دهد و ویژگی مادرانه آنها موجب مراقبتشان از گیاهان در محیط می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت که زنان با کنش‌های

خردمقیاس در برابر مسئله‌های زندگی روزمره می‌توانند در تمامی مراحل فرایند مکان‌سازی ایفای نقش کنند و نقش آنها در وضعیت‌های دشوار چشمگیرتر است.

۲- مرور دو تجربه: محور انوشه در محله لشگرآباد شهر اهواز و پارک محله دوهزار در شهر بندرعباس

پژوهش‌ها، متناسب با موضوع و هدف و شیوه استفاده از دستاوردهایشان، فرایند متفاوتی را در پیش می‌گیرند. متولیان برنامه جستار کیفیت در تجربه‌های بازآفرینی شهری، با هدف ایجاد حساسیت نسبت به نحوه تعریف مفهوم کیفیت زندگی در دانش محلی و دانش کارشناسی، به دنبال شناختن و شناساندن تجربه‌هایی بوده‌اند که توانسته‌اند مطلوبیتی در زندگی مردم ایجاد کنند. آنها با تکیه بر این اصل که «هر مکانی می‌تواند با زبان خاص خود داستان‌هایی را درباره چگونه ساخته شدن، دگرگون شدن و بحث‌برانگیز شدنش روایت کند» (عارفی، ۱۳۹۶: ۳۴) به استخراج آموزه‌های این تجربه‌ها اقدام کرده‌اند. می‌توان گفت تأکیدات اصلی در فرایند این برنامه فرهنگی بر دو موضوع بوده است:

۱) استنباط کارشناسانه (و البته میان‌دانشی) از مفهوم کیفیت مطلوب در کنار تعبیر عامیانه آن از زبان مردم قرار گیرد و دانش مشترک برآمده از این تعاریف هدایت‌گر برنامه‌ریزی و طراحی شهری شود تا از این مسیر بتوان کیفیت زندگی مردم را در اقدامات بازآفرینی شهری ارتقا داد.

۲) ارزیابی [مبتنی بر روش‌های پژوهش] کیفی میزان موفقیت اقدامات بهسازی و نوسازی شهری در ارتقای کیفیت زندگی مردم در کنار ارزیابی کمی قرار گیرد تا شناخت واقع‌بینانه‌تری در تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نسبت به میزان توفیق اقدامات ایجاد شود (پژوتن، ۱۳۹۴: ۷۲).

اگرچه فرایند ارزیابی تجربه‌های محور انوشه در محله لشگرآباد در اهواز و پارک محله دوهزار در بندرعباس در دوره اول و دوم برنامه مذکور با هدف تبیین نقش زنان در جریان مکان‌سازی طی نشده است، ولی با توجه به معیارهای ارزیابی و رویکرد کیفی پژوهش این امکان

وجود دارد که کنش‌های روزمره زنان در این دو تجربه به‌منظور ارتقای کیفیت مکان و غنا بخشیدن به فرایند مکان‌سازی مورد بازخوانی قرار گیرد.

محور انوشه فصل مشترک دو محله لشگرآباد (با بافتی هندسی و طراحی‌شده در دهه ۲۰) و رفیش (با بافتی ارگانیک و شکل‌گرفته در دهه ۳۰ و ۴۰) در بافت ناکارآمد میانی شهر اهواز واقع است (شهراندیش آمایش، ۱۳۹۵: ۲). این محدوده که سابقه اجتماعی نامناسب آن در گذشته و تحولات چشمگیرش در چند سال اخیر ویژگی اصلی شناخته‌شده‌اش به شمار می‌رود از منظر زندگی زنانه نیز قابل بررسی است. خیابان فلافل فروش‌های شهر اهواز که به معنای واقعی کلمه فضایی عمومی برای تعامل و تأمل، دیدن و دیده شدن، مکث و حرکت محسوب می‌شود حیات امروز خود را مرهون فعالیت متمایزش یعنی عرضه فلافل به‌صورت سلف‌سرویس است؛ الگویی نوین در کسب و کار که بر مبنای عرضه ویژه یک کالای ارزان‌قیمت توانسته است علاوه بر ایجاد بستری حضورپذیر، با ارتقای منزلت اجتماعی مکان و ارتقای سطح معیشت از طریق بهبود وضعیت اشتغال ساکنان محله، کیفیت زندگی ساکنان را بهبود بخشد. نکته قابل توجه آن است که پیشگام این الگوی فعالیتی که از یک دکه فلافل فروشی آغاز شد و به‌سبب تأثیری که در جلب مشتری داشت به‌سرعت تسری پیدا کرد، یک زن بوده است. فعالیت‌های اقتصادی زودبازده که مسیر تولید به مصرف آنها کوتاه است به نوعی کنش روزمره می‌مانند که برای غلبه بر مسئله معیشت انجام می‌شوند. نوع دیگری از این دسته فعالیت‌های اقتصادی، دست‌فروشی و عرضه محصولات در روزبازارهاست. نمونه‌های بسیاری از این فضاها در سکونتگاه‌های خودساخته و خودانگیخته به چشم می‌خورد و نکته قابل توجه در این فضاها غلبه حضور زنان در آنهاست. به بیان دیگر، زنان در کنش‌های خرده‌مقیاس روزمره برای ارتقای سطح معیشت یا به‌صورت آشکار وارد عرضه محصول می‌شوند یا در شرایطی که محدودیت‌های فرهنگی وجود داشته باشد به‌عنوان نیروی پشتیبان فعالیت می‌کنند. آنچه حائز اهمیت است نقش آنها

در آفرینش و احیای مکان است که موجب می‌شود تأثیر کلیدی در مرحله بسیج اجتماعی برای مکان‌سازی داشته باشند. پیش‌قدم شدن یک زن برای بهبود کیفیت زندگی‌اش موجب راه‌اندازی جریانی می‌شود که به بهبود فضای عمومی محور انوشه می‌انجامد. تفکر جوگاد^۱ در هندوستان نیز به ابتکاراتی در جامعه محلی منجر می‌شود که در نهایت بر فضای محله اثر می‌گذارد. فصل مشترک این تفکر و علل توفیق محور انوشه را می‌توان بهره‌گیری از الگوهای ساده و کارآمد به همراه قابلیت تکرار آن در سطح گسترده دانست. اگرچه پیش‌برندگان تفکر جوگاد فقط زنان نیستند، ولی زنان هم در طرح ایده‌های خلاقانه و هم در انطباق روش تکرار این ایده‌ها بر ظرفیت‌های دانش محلی بسیار موفق هستند. گفت‌وگوهای انجام‌شده در تجربه محور انوشه اهواز نیز نشان می‌دهد که هدایت ساختار فعالیت در فضا بر عهده زنان بوده است و خلاقیت‌های آنان در تنوع‌بخشی به محصولات توانسته است محله را در مسیر بهبود قرار دهد.

مورد دیگر، پارکی در محله دوهزار شهر بندرعباس است که ساخت آن اقدامی دولتی در سکونتگاهی خودانگیخته به شمار می‌رود. این اقدام کالبدی بر مبنای رویکرد نیازبنیاد در مکان‌سازی و با همکاری مشترک بانک جهانی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران و شهرداری صورت گرفته است. این پارک در محدوده‌ای قرار دارد که در آن کمبود فضاهای فراغتی و نبود امنیت در فضاهای عمومی موجود به‌عنوان مسئله‌ای جدی مطرح بوده است. اگرچه این مسئله‌ها با این اقدام به‌کلی رفع نشده‌اند، ولی درباره این پارک می‌توان گفت که مکان‌یابی و طراحی مناسب آن زمینه را برای نظارت بیشتر اهالی محله و افزایش قابلیت حضورپذیری در آن فراهم کرده است. در این تجربه نیز نقش زنان در فرایند مکان‌سازی قابل توجه است. آنچنان که در مقدمه این یادداشت ذکر شد، یکی از روش‌های زنان در بهبود کیفیت زندگی‌شان کشاندن فعالیت‌های خانگی از عرصه خصوصی به عرصه نیمه‌خصوصی - نیمه‌عمومی است که به صورت توأمان می‌تواند هم نیاز آنها را به

1- Jugaad

حضور در اجتماع و تعامل با دیگران در فضایی عمومی تامین کند و هم فعالیت را - که حتی ممکن است از گونه فعالیت‌های درآمدزا باشد - با لذت بیشتری همراه کند. در این تجربه زنان همچنین به شناخت بهتر چالش‌های روزمره و تفکر درباره روش‌های بهبود وضعیت می‌پردازند و در بعضی موارد نیز دست‌به‌کار ایجاد تغییر می‌شوند. می‌توان گفت هنگامی که فضای عمومی شرایطی را فراهم بیاورد که زنان امکان حضور و ماندگاری بیشتری را در عرصه عمومی یا حتی لایه نیمه‌عمومی پیدا کنند، می‌توانند هم در مرحله ساخت مکان مداخله اثرگذار داشته باشند و هم به دلیل داشتن روحیه مراقبت‌کننده مکان را زنده نگه دارند. زنان و دختران جوان تا پاسی از شب در کنار پارک محله دوهزار که در مجاورت خانه‌هایشان است حضور می‌یابند و کودکان نیز به راحتی در فضای پارک بازی می‌کنند. در این تجربه، اگرچه شروع فرایند مکان‌سازی با اقدامی از بالا به پایین و مبتنی بر نیازسنجی بوده است، ولی ماندگاری و بهبود وضعیت فضا مدیون حضور مردم به‌خصوص زنان و کودکان، نظارت مستمر زنانه بر فضا و نگهداری از آن است. با یادآوری این نکته که زنان در شرایطی که منابع محدود است نقش پررنگ‌تری بر عهده می‌گیرند، می‌توان گفت نقش آنها در این تجربه بیش از هر چیز در مرحله حفظ و نگهداری فقط با توسعه قلمرو حضور و فعالیتشان بوده است.

با توجه به تفاوت در ماهیت دو تجربه یادشده و نقش‌پذیری زنان در آنها، آنچه روشن است ورود زنان به موضوع بهبود کیفیت عرصه عمومی است که طیف متنوعی از اقدامات و ابتکارات را از سوی آنها نشان می‌دهد. می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که روحیه سازندگی زنانه در مکان‌سازی موجب می‌شود که زنان با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای در دسترس در هر مرحله‌ای و در هر سطحی وارد کار شوند و با استمرار در کنش‌های خردمقیاس روزمره و مقاومت در برابر چالش‌ها به تغییر روابط قدرت دست یابند. اگرچه این تغییرات ساختاری ممکن است به‌کندی رخ دهد، ولی عمیق و ریشه‌دار است و در صورت شناسایی و تقویت می‌تواند جریانی

قدرتمند را در هدایت فعالیت‌های مکان‌سازی رقم زند.

منابع:

- پژوتن، الف. (۱۳۹۴). «تبیین فرایند ارزیابی و داوری تجربه‌های بازآفرینی شهری در دوره اول جایزه ملی بهترین تجربه بهسازی و نوسازی شهری». نشریه شهرسازی و معماری هفت‌شهر (۵۲-۵۱): ۷۲-۷۹.
- عارفی، م. (۱۳۹۶). کاوش در مفهوم مکان‌سازی: نیازها، فرصت‌ها و دارایی‌ها. ترجمه الهه پژوتن. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مهندسان مشاور شهراندیش آمایش. (۱۳۹۵). مستندسازی تجربه احیای محور انوشه اهواز با مشارکت مردم. کارفرما: شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.
- Arovat, I. (2002). "Back to Phenomenological Placemaking". *Journal of Urban Design* 7 (2): 12-201.
- Beebe, K., et al. (2012). "Introduction: Space, Place and Gendered Identities: Feminist History and the Spatial Turn". *Women's History Review* 21 (4): 32-523.
- Dyck, I. (2005). "Feminist Geography, the 'Everyday', and Local-Global Relations: Hidden Spaces of Place-Making". *The Canadian Geographer* 49 (3): 43-233.
- Platt, L. C. (2017). "Crafting Place: Women's Everyday Creativity in Placemaking Processes". *European Journal of Cultural Studies* 00 (0): 1-16.
- Radjou, N. (2014). Creative Problem-Solving in the Face of Extreme Limits. Available at: www.ted.com (Accessed 10 March 2017).
- Smith, D. E. (1987). *The Everyday World as Problematic: A Feminist Sociology*. Toronto: University of Toronto Press.